



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده هنرهای کاربردی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته فلسفه هنر

تأثیر زن بودیزم بر هایکو

استاد راهنما:

جناب دکتر محمد رضا ریخته گران

نگارش و تمقیق:

کامبیز پورناجی

ماه و سال:

شهریور ۱۳۸۹

تأثير ذن بوديزم بر هايكو

تعهد نامه

اینجانب کامبیز پورناجی اعلام می دارم که تمام فصل های این پایان نامه و اجزاء مربوط به آن برای اولین بار (توسط اینجانب) انجام شده است. برداشت از نوشته ها، کتب، پایان نامه ها، اسناد، مدارک و تصاویر پژوهشگران حقیقی یا حقوقی (فارسی و غیر فارسی) با ذکر مآخذ کامل و به شیوه تحقیق علمی صورت گرفته است. بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود مسوئلیت آن مستقیماً به عهده اینجانب خواهد بود.

امضاء تاریخ

سپاسگزاری

از جناب استاد دکتر محمد رضا ریخته گران که با بزرگواری استاد راهنمای این جانب برای رساله شدند و خطاها و اشتباهات بنده را اصلاح نمودند و مواردی را متذکر شدند، کمال امتنان و تشکر را دارم و نیز با سپاس از جناب دکتر اسماعیل بنی اردلان.

«پیشگفتار»

اساساً «ذن» در تمامی لایه های آشکار و پنهان فرهنگ و هنر مردم ژاپن اثر گذار بوده است. در شعر، موسیقی، نقاشی، خوشنویسی و ... همان طور که سوزوکی می گوید بدون ذن نمی توان به درستی فرهنگ ژاپن را مطالعه کرد و به همین سبب بود که به نیکی و فراست دریافت که حق این مطلب را در آثار بی شمار خود متذکر شود و در عین حال خود کتابی مستقل تحت عنوان «ذن و فرهنگ ژاپنی» تألیف کند که نیکبختانه به فارسی نیز منتشر شده است. در این اثر فصلی به «ذن و هایکو» اختصاص داده می شود و سوزوکی سعی بر آن دارد که به پیوند وثیق ذن و هایکو بپردازد.

اما شاید شاخص ترین کار در این زمینه از آن آراچ. بلایت باشد که به راستی غنی ترین، حجیم ترین و ارزشمند ترین آثار را در زمینه هایکو به رشته تحریر درآورده است و با اینکه بیش از نیم قرن از تألیف آثار او در این باره می گذرد اما همچنان از بهترین و ارجمند ترین مراجع در حیطه هایکو است. بلایت علاوه بر کتاب بس گرانقدر خود پیرامون ذن در پنج جلد، دو اثر در زمینه هایکو نیز منتشر ساخت؛ یکی «تاریخ هایکو» در دو جلد که شاعران پیش از باشو تا عصر حاضر را در بر می گیرد و در این دو جلد حجیم علاوه بر معرفی شاعران، نمونه هایی از اشعار آنان به همراه تفسیر نیز ذکر شده است تا خواننده به فهم و درکی ژرف و درست از اشعار آنان دست یابد.

اثر دیگر بلایت تحت عنوان «هایکو» در چهار جلد از اهم آثار اوست که در آن علاوه بر معرفی شاعران و تفسیر اشعار آنان به سرچشمه های معنوی هایکو و خصایص و حالات و احوالات شاعران هایکو سرا هم به نیکی پرداخته و انصافاً اثری خلق کرده است که نه تنها جهانیان بلکه حتی ژاپنی ها را نیز مدیون خویش ساخته است. حُسن دیگر آثار بلایت در باب ذن و هایکو، جنبه تطبیقی و مقایسه ای آن با آثار بزرگ ادبی مغرب زمین است که از این بابت بسیار مغتنم و قابل تأمل و توجه است.

اما در زبان فارسی علاوه بر کتاب «ذن و فرهنگ ژاپنی»، که قبلاً ذکر شد، چند مجموعه و جُنگ هایکو وجود دارد که به جرأت می توان گفت به جز کتاب «هایکو، شعر ژاپنی از آغاز تا امروز» گردآوری و ترجمه احمد شاملو و ع. پاشایی، دیگر مجموعه ها از ارزش چندانی برخوردار نیست و حتی در بیشتر آنها به ترجمه صرف و مکانیکی هایکوها بسنده شده و فاقد هرگونه شرح و توصیف راهگشا است. در مورد کتاب «هایکو، شعر ژاپنی از آغاز تا امروز» هم می توان گفت که این کتاب گردآوری و تلخیص و ترجمه همان دو اثر معروف بلایت یعنی «هایکو» و «تاریخ هایکو» است. این کتاب شاید ارزشمند ترین اثر به زبان فارسی در باب هایکو باشد و مشتمل بر شعر هایکو سرایان بزرگ ژاپنی و تفسیر اشعار آنان است و در ابتدای کتاب نیز به ریشه های شعر هایکو پرداخته شده و

همان طور که گفتیم تا حد بسیار ترجمه و تلخیص نوشته های بلایت است. در این کتاب نیز اشاراتی به پیوند ذن و هایکو شده است و تا حدودی نیز برای خواننده راهگشا است.

اما آنچه که سبب شد نگارنده این سطور موضوع پایان نامه خود را «تأثیر ذن بودیزم بر هایکو» انتخاب کند، همانا در وهله نخست دل بستگی بنده به فلسفه و اندیشه های شرق دور (یعنی چینی و ژاپنی) و نیز هایکو است و دیگری، عدم وجود پایان نامه ای مستقل، تا آنجا که نگارنده جستجو کرده، در این باب است. محرر این کلام به هیچ وجه ادعای تألیف درجه یک و شاخص را در این باره ندارد و خود به نیکی واقف است که در ابتدای راه است و باید در آینده بیشتر در این زمینه کوشا باشد. اما امید بر آن دارم که این پایان نامه فتح بابی باشد تا بتوانم این سلسله پژوهش را که بسیار دلبسته آن هستم، ادامه دهم. در این پایان نامه تلاش بر این شده است که با اتکا به منابع خوب و ارزشمند به زبان فارسی، که عمدتاً ترجمه است، و زبان انگلیسی، در حد بضاعت، به تأثیر عظیم ذن بر هایکو پرداخته و علاوه بر آن سرچشمه های روحانی و معنوی هایکو نیز در حد اختصار بیان گردد.

نگارنده در تلاش است تا ثابت کند که ذن در فرهنگ و شعر ژاپنی، به ویژه «هایکو» چقدر تأثیر گذار بوده است به گونه ای که بدون در نظر گرفتن و شناخت ذن، بی شک «چشیدن» هایکو میسر و تأثیر بخش نخواهد بود. در این پژوهش سعی نگارنده بر آن است که علاوه بر اینکه خود بتواند موفقاً به «چشیدن» هایکو شود، دیگران را نیز در این امر، حداقل امکان، سهیم سازد!

برای «چشیدن»، «تجربه» و «حس» هایکو، سعی و مجاهدت بسیار، به ویژه برای غربیان و ما اهالی شرق نزدیک که متأثر از فرهنگ غرب هستیم، نیاز است. ذهنیت متافیزیکی و ثنوی گرا و دوری ما از طبیعت و زیبایی آن و اهتمام در تخریب آن، همان طبیعتی که الهام بخش هایکو سرایان بزرگ بوده است، از موانع عمده ما در تجربه و چشش «هایکو» است و حتی در پاره ای موارد شهامت پیدا می کنیم که «هایکو» ها را ترهات و مهملات و عباراتی پیش پا افتاده تلقی کنیم که هر کسی از پس سرودن آن بر می آید.

در این پایان نامه کوشیدیم از منابع و مآخذی استفاده کنیم که از اعتبار و ارزش برخوردار باشد، قطعاً منابع به زبان انگلیسی در این باب بسیار است، اما عدم دسترسی به آنها و نیز تأکید بنده بر چند منبع مهم به ویژه آثار سوزوکی و بلایت از مواردیست که قابل توجه است.

محرر این گفتار هیچ دغدغه ای ندارد جز اینکه حداقل این موارد را به خود متذکر شود و در این راه کوشش کند تا آغازی باشد برای بسط این مقال.

«چکیده فارسی»

هدف از این پایان نامه، جستاری در باب تأثیر ذن بودیزم بر هایکو است. علاوه بر ذن آیین بودیزم هندی و چینی، دائو، شعر چینی، آیین کنفوسیوس، هنرهای شرقی از جمله هنرهای چینی و ژاپنی، واکا و رن کو، نمایش نو، ایکه بانا یا هنر گل آرایی، چا-نویو یا هنر چای و چای نوشی و آیین شیتو نیز بر هایکو نفوذ داشته است و ساختار هایکو را شکل داده اند. نگارنده به تمامی این مولفه ها در حد اختصار پرداخته است. اما آنچه که بر شاعران هایکو سرا و از جمله چهار شاعر اصلی هایکو یعنی باشو، بوسون، ایسا و شیکی تأثیر گذار بوده است همانا ذن است. تلاش بر این است که نشان داده شود که چگونه شاعران هایکو سرا و نگرش و جهان بینی آنان و به طور کلی هایکوهای آنان متأثر از تعالیم ذن است.

پیش از اینکه به تأثیر بودیزم ذن بر هایکو اشاراتی رود، سعی بر آن شده است که نکاتی کلی در باب ذن و هایکو و مولفه هایی که به جز ذن بودیزم بر هایکو نفوذ داشته است بیان گردد و آنگاه به پیوند ذن و هایکو پرداخته شود.

در این پایان نامه کوشش شده است تا نتیجه گیری شود که هایکو و بزرگان هایکو به چه جهاتی تحت تأثیر ذن بودند و چه عوامل و مولفه هایی بر تجارب، اندیشه ها و حالات و احوالات آنان و به طور کلی سلوک آنان تأثیر گذار بوده است. چگونه آنان عمل گرایی، تأکید بر امور روزمره، سفر و دوره گردی، گریز از فلسفه، تنهایی، رضا و تسلیم، فقر و بی نیازی را پیشه خویش ساخته و هایکوهای خود را بر همین اساس و تجارب سروده اند.

هیچ هایکویی از بزرگان در خلاء شکل نگرفته است. هر هایکویی فشرده ای از تجارب و سلوک شاعر است. هایکو برای این بزرگان شیوه و طریقی از زندگی بوده؛ طریقی از زندگی که به شدت متأثر از ذن بودایی است.

در این پایان نامه سعی بر آن است که به هایکو به مثابه شیوه ای از زیستن و زندگی شاعر نگاه شود که خود متأثر از ذن است. بنابراین بدون شناخت و فهم و تجربه ذن نمی توان به فهم هایکو دست یافت. اساس هایکو بر ستوری (اشراق) است و بدون نیل به ستوری (اشراق) ذنی در کار نیست. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که هایکو مبتنی بر اشراق است. بدون ذن، هایکو عمقی ندارد. بدون ستوری، هایکو صرفاً بازی با کلمات خواهد بود. روش کار در این پژوهش، کتابخانه ای است و تلاش بر آن بوده که از منابع فارسی و انگلیسی، اعم از کتاب و مقاله، که از اعتبار خاصی برخوردار است، استفاده شود. راست این است که آثار بلایت، خصوصاً کتاب چهار جلدی هایکو به ویژه جلد اول و نیز برخی از آثار سوزوکی اعتبار ویژه ای دارد و در این پژوهش سعی شده تکیه بیشتر بر روی این منابع باشد. چرا که عمده آثاری که در غرب نیز منتشر شده است، چه به صورت

کتاب و چه به صورت مقاله، به راستی و امدار این دو اندیشمند و بسیاری از آنها تکرار مکررات است. بنابراین شیوه ای که اتخاذ کرده ام تا استفاده از منابع کم و گزیده اما خوب و ارزشمند است و در پایان هم نتیجه گیری شده است که در واقع چکیده ای از تأملات نگارنده در باب موضوع پژوهش است.

کلید واژگان:

ذن، بودیزم، هایکو، ستوری

فهرست

پیشگفتار.....	۱
چکیده فارسی.....	۳
مقدمه.....	۷
بخش اول: ذن چیست.....	۱۱
۱. تاریخچه مختصر.....	۱۱
۲. تعریف ذن.....	۱۳
۳. پرهیز از مفهوم پرداززی و تحلیل منطقی – فلسفی.....	۱۸
۴. ستوری (وو به چینی).....	۲۱
۵. ذن و طریق زندگی (تأکید بر عمل).....	۲۴
۶. یگانگی با طبیعت.....	۲۶
بخش دوم: هایکو چیست.....	۳۱
تاریخچه هایکو.....	۳۴
بخش سوم: سرچشمه های معنوی هایکو.....	۳۸
مقدمه.....	۳۸
۱. بودیزم.....	۳۹
۲. آیین دائو.....	۴۰
۳. شعر چینی.....	۴۲
۴. آیین کنفوسیوس.....	۴۵
۵. هنرهای شرقی (هنرهای چینی و ژاپنی).....	۴۷
۶. واکا یا اوّتا.....	۴۷
۷. رن کو.....	۵۱
۸. نمایش نو.....	۵۳
۹. ایکه بانا یا هنر گل آرایی.....	۵۴
۱۰. چا – نویو یا هنر چای.....	۵۷
۱۱. آیین شینتو.....	۶۰
بخش چهارم: تأثیر ذن بر هایکو.....	۶۲
۱. ستوری.....	۶۲

۶۵.....	۲. سوژه و ابژه.....
۶۹.....	۳. طبیعت.....
۷۳.....	۴. تجربه شخصی.....
۷۵.....	۵. عدم پیچیدگی و پرهیز از معلق گویی و گرایش به سادگی.....
۷۶.....	۶. تناقض.....
۷۷.....	۷. رضا و تسلیم.....
۷۸.....	۸. بی کلامی.....
۷۹.....	۹. آزادی.....
۸۰.....	۱۰. تنهایی.....
۸۲.....	۱۱. بی خویشی.....
۸۴.....	۱۲. توجه به امور مادی.....
۸۷.....	نتیجه گیری.....
۹۴.....	فرهنگ اصطلاحات.....
۱۰۰.....	منابع فارسی.....
۱۰۱.....	منابع انگلیسی.....
۱۰۲.....	چکیده انگلیسی.....

مقدمه

آنچه در این پایان نامه بدان پرداخته می شود تأثیر ذن بودیزم بر شعر هایکو است. ذن در تمامی اجزاء و ساختارهای فرهنگ ژاپنی تأثیر گذار بوده است؛ در نقاشی، خوشنویسی، باغ آرایی و گل آرایی، فن کمان گیری و تیراندازی با کمان، شمشیربازی و هنر نمایش و حتی امروزه بر سینمای ژاپن. بنابراین ذن یک مقوله و مفهوم فلسفی محض نیست که صرفاً به لحاظ دانشگاهی و تحقیقی مورد بررسی قرار می گیرد، بلکه عنصری نافذ است که در تمامی وجوه فرهنگی و حیاتی مردم ژاپن تأثیر گذار بوده است، به گونه ای که به تعبیر سوزوکی بدون توجه به ذن به درستی نمی توان فرهنگ ژاپن را شناخت.

هدف از این پایان نامه پاسخ به این پرسش است که علاوه بر مؤلفه های دیگر همچون آیین دائو، کنفوسیوس، آیین چای، گل آرایی و ...، ذن چه تأثیری بر شعر هایکو داشته است؟ آیا این تأثیر سطحی است و یا در ژرفا و اعماق هایکو نفوذ داشته و این نفوذ تا چه حدی بوده است؟ هایکو چه مؤلفه هایی از ذن را برگرفته و در جان خود حل کرده است. این مؤلفه ها چه تأثیری بر جان هایکو سرا یا شاعر داشته است؟ سعی ما بر این است که پاسخی ولو به اجمال برای این پرسش ها بیابیم تا نفوذ ذن بر هایکو آشکار گردد.

شعر ژاپن به طور عام و هایکو به طور خاص بیش از هر چیز تحت تأثیر ذن بودیزم بوده است. همانطور که در متن پایان نامه می بینیم علاوه بر ذن عناصر فکری دیگر از جمله آیین کنفوسیوس، دائو، شیئتو، هنر چای، نمایش نو، هنر گل آرایی، شعر چینی و سایر قالبهای شعر ژاپنی قدیم، بودیزم هندی و ... بر هایکو نفوذ داشته اند. اما هیچکدام به اندازه ذن خصوصاً از زمان ماتسو باشو چنین نقشی پر رنگ بر هایکو نداشته است.

ذن که مأخوذ از ریشه دیانه سنسکریت است به معنای مراقبه و شهود درونی است و نه تأمل فلسفی و منطقی. ذن مخالف هرگونه فلسفه ورزی و مفهوم پردازی به معنای رایج در فلسفه غرب است. نگاهی تحلیلی به پدیده های عالم ندارد و سخت از متافیزیک بر حذر است.

در ذن مشاهده اصل و اساس است. پرداختن به امور روزمره خوار و حقیر شمرده نمی شود. بلکه پرداختن به امور فلسفی و منطقی و تحلیل امور عالم و ثنویت و دوگانگی کوچک شمرده می شود. به همین سبب است که در متون ذن به کرات می بینیم که هرگاه راهب در صدد یافتن تعریفی از ذن به یاری استاد بوده، استاد یا با طرح معماهای به ظاهر بی معنی و یا کتک زدن و یا بیان سخنان بی ربط در صدد است که ذهن راهب را از اینگونه مباحث منطقی و تحلیلی دور سازد و ذهن او را متمرکز بر امور عینی و کارهای روزمره سازد.

در شعر هایکو که بزرگان آن متأثر از ذن بودند این نکات مذکور به چشم می خورد. در هایکو نیز از عناصر بصری که همواره در امور روزمره شاهد آن هستیم و برایمان ملموس است، استفاده می شود. هایکو در صدد بیانِ مطلب و یا نکته ای فلسفی و فکری نیست و اصلاً مجالی برای اینگونه نکات و تأملات نیست.

نگارنده با توجه به علاقه و دل‌بستگی خود به ذن و نیز هایکو در صدد برآمد که درباره تأثیر و نقش ذن بر هایکو به پژوهش مبادرت ورزد. پیش از این پایان نامه هایی که درباره ذن نوشته شده است بیشتر پیرامون پیوند ذن با نقاشی و هنرهای دیگر بوده است و نگارنده به پایان نامه ای بر نخورد که در باب تأثیر ذن بودیزم بر هایکو باشد.

در عین حال در زبان فارسی نیز که کتابها و مقالاتی درباره هایکو موجود است یا بیشتر به ترجمه صرف هایکو بسنده شده و یا اشاره ای گذرا به این مسئله شده است. از جمله کتاب هایکو با ترجمه و تألیف احمد شاملو و ع. پاشایی که در جای خود ارزشمند است و به راستی ترجمه و اقتباس از شاهکار آ. ا. چ. بلایت یعنی هایکو (۴ جلد) و تاریخ هایکو (۲ جلد) است، در مقدمه کتاب هایکو از ع. پاشایی به طور گذرا به این مسئله اشاره شده است اما به هیچ وجه نظامند نیست. و یا در کتاب ذن و فرهنگ ژاپنی سوزوکی با ترجمه ع. پاشایی فصلی نیز به هایکو اختصاص داده شده که انصافاً خواندنی و قابل تأمل است. در این فصل سوزوکی سعی بر آن دارد که تأثیر ذن را بر هایکو و شعر شاعران مشهوری از جمله باشو نشان دهد و در پاره ای موارد نیز جهت تفهیم بحث مقایسه ای با شعر شاعران غربی می کند تا از این دریچه به خواننده بیاموزد که هایکو بسیار با شعر غربی متفاوت است؛ هم به لحاظ ساختار صوری و هم به لحاظ محتوایی که مأخوذ و مبتنی بر روحیه و سلوک شاعر هایکو سرا است. اما در این فصل نیز سوزوکی به طور نظامند به تأثیر عناصر مؤثر و خصوصاً ذن بر هایکو نپرداخته است.

در زبان انگلیسی نیز جلد نخست کتاب هایکو از بلایت، بی شک راهگشا، ارزشمند و بی نظیر است و اکنون پس از شصت سال از انتشار آن همچنان در این عرصه یکه تاز و بی نظیر است، به طوری که هیچ کتابی در غرب نمی یابیم که در باب هایکو نوشته شده اما به این کتاب اشاره ای نشده باشد. ساختار پایان نامه و پژوهش بنده مبتنی بر این کتاب است هر چند در مواردی تلاش بر آن داشته ام که نکاتی را بیفزایم و بدان اشاره کنم که در کتاب بلایت به طور منظم بررسی نشده است، از جمله مبحث سوژه و ابژه و اختصاص بخشی از پایان نامه به این مبحث بسیار مهم؛ و نیز تأکید بر مسأله ستوری که اساس و پایه ذن بودیزم است.

نگارنده پایان نامه با مطالعه و تأمل در مهمترین آثار نوشته شده در غرب، چه به انگلیسی و یا ترجمه فارسی، تلاش بر آن داشته است که به طور متمرکز به تأثیر ذن بر هایکو مبادرت ورزد و نشان

دهد که علاوه بر عناصر فکری و فرهنگی و هنری دیگر ژاپن و چین، ذن بیشترین و مهمترین تأثیر را بر شعر هایکو داشته است.

در بخش اول پایان نامه تحت عنوان «ذن چیست» نخست تاریخچه مختصری از ذن و شکل گیری ذن در چین و ژاپن مطرح و آنگاه به تعریف رایج در ذن پرداخته می شود. اما سپس تأکید می شود که ذن به هیچ وجه به تعریف منطقی و فلسفی در نمی آید و در اساس ذن از مفهوم پردازی بر حذر است و آنچه که مهم است تجربه ذن است تجربه مستقیم و بی واسطه. به تأکید عمل در ذن و نیز مقوله طبیعت و جایگاه آن در فرهنگ ژاپنی اشاره ای می شود و نیز نقش بسیار مهم ستوری satori در ذن. اینکه ستوری اساس ذن است و نیز اساس هایکو. ستوری از ثنویت و انفکاک سوژه و ابژه مبرا است. تمام تلاش ستوری این است که به راهب بیاموزد که از جدایی و ثنویت سوژه و ابژه پرهیز کند و ذهن و جان خود را از این انفکاک پاک سازد.

بخش دوم در باب هایکو و تعریف صوری از هایکو به همراه تاریخچه ای مجمل و کوتاه از هایکو.

بخش سوم پیرامون سرچشمه های معنوی هایکو یعنی بودیزم هندی، چینی و ژاپنی، آیین دائو، شعر چینی، آیین کنفوسیوس، هنرهای شرقی (چینی و ژاپنی)، واکا، رن کو، نمایش نو، ایکه بانا یا هنر گل آرایی، چا- نویو یا هنر چای و آیین شینتو است. در این بخش تلاش می شود به طور مجمل به تأثیر هر یک از این عناصر بر هایکو پرداخته شود و نیز نقشی که بر هایکو و حتی شکل گیری آن داشته است.

بخش چهارم یا آخرین بخش که مهمترین بخش پایان نامه است تأثیر ذن بر هایکو است و نگارنده در صدد است که پس از بیان تأثیر عناصر دیگر بر هایکو به مهمترین مؤلفه یعنی ذن به طور مبسوط بپردازد. برای بیان این مقصود در این بخش به دوازده مؤلفه پرداخته ایم و سعی کرده ایم با ذکر مثال به تأثیر این دوازده مؤلفه اشاره کنیم. این مؤلفه ها که در تمامی لایه های ساختاری هایکو نقش داشته اند عبارتند از: ستوری، همانطور که گفتیم اساس ذن است و در عین حال اساس هایکو. و هایکوهای اصیل جملگی مبتنی بر ستوری هستند. سوژه و ابژه که در این پایان نامه برای نخستین بار به طور مستقل به این بحث پرداخته می شود و آن بحث عدم انفکاک سوژه و ابژه است. دیگر مؤلفه ها که همگی بر گرفته از ذن است و خود در ذن از مؤلفه های مهم به حساب می آیند عبارتند از: طبیعت، تجربه شخصی، عدم پیچیدگی و پرهیز از معلق گویی و گرایش به سادگی، تناقض، رضا و تسلیم، بی کلامی، آزادی، تنهایی، بی خویشی و توجه به امور مادی. در انتهای پایان نامه نیز از بحث مورد نظر نتیجه گیری می شود.

در پایان نامه بر آن بوده ایم که ثابت کنیم که ذن علاوه بر تأثیر گذاری اش بر تمام وجوه فکری و فرهنگی و حیاتی مردم ژاپن، چه نفوذ چشمگیری بر هایکو داشته است. و چگونه شاعر که خود اهل ذن است از تمامی مؤلفه های ذن در سراییدن هایکو بهره مند شده است.

شاعر هیچ چیزی را انتزاعی نمی یابد و هیچ علاقه و دل بستگی به مطرح ساختن مسائل فلسفی و فکری در هایکوی خود ندارد. هایکو آیینۀ جان و دل شاعر است، جان و دلی که متأثر از ذن است. شاعر هیچ جدایی بین خود و پدیده های عالم نمی بیند و همواره راه میانه را می پیماید راهی که برگرفته از «طبیعت» است. شاعر می خواهد به سان کودکی باشد که ساده و آسوده است و جان او جان ساده ایست که از هرگونه قید و بند و تکلفی آزاد است. کودکی که هیچ جدایی بین خود و طبیعت نمی بیند. جان هایکو نیز شباهتی به جان کودک دارد؛ جان ساده، بی تکلف و آسوده. بی شک همه این ها بر آمده از ذن است.

همانطور که در متن پایان نامه آمده است نگارنده بر مسئله طبیعت و سفر تأکید بسیار می کند. شاعر هایکو سرا به ویژه باشو اهل سفر و طبیعت بود و اصولاً اهل ذن اهل سفر و طبیعت است. در سفر است که ستوری شکل می گیرد و چون ستوری رخ می دهد، هایکو پا به عرصه می گذارد و از جان شاعر به زبان او جاری می شود.

در پژوهش حاضر تلاش می شود که ثابت شود که عنصر سفر و طبیعت نقش ارزشمندی در شکل گیری هایکو دارد و این دو عنصر برگرفته از ذن است. ذن به راهب می آموزد که به طبیعت حرمت نهد و همواره در سفر باشد و از یکجا نشینی جز در مواقع مراقبه پرهیز کند. ستوری در راه شکل می گیرد همانطور که ژرف ترین و نافذترین هایکوها در راه و در سفر شکل گرفته است.

ذن به شاعر می آموزد که همواره در «حال» باشد. اندیشه، آدمی را به گذشته یا آینده می کشاند و به همین سبب اصالت و ژرفا را از شعر می گیرد. بنابراین شعر می بایست مبتنی بر «مشاهده» و «مراقبه» باشد و نه تأمل و اندیشه ورزی فلسفی و تحلیلی. اینکه شاعر اهل تجربه و مشاهده و چشیدن است به سبب تأثیر است که از ذن گرفته است.

در پایان می توان گفت که بدون ذن، هایکو هیچ گاه به چنان ژرفایی نمی رسد که امروزه شاهد آن هستیم. اگر ذن نبود هایکوها صرفاً بازی با کلمات بودند، چنانکه تا پیش از ماتسو باشو، سرنوشت هایکو چنین بود. هایکو مبتنی بر تجربه عمیق از هستی و جان و دل آدمیست و بی شک این تجربه را از ذن آموخته است. تمام اهتمام پایان نامه نشان دادن تأثیر عمیق ذن بر تمامی لایه های ساختار شعر هایکو است.

«ذن چیست»

در این فصل ابتدا تاریخچهٔ مجملی از پیدایش ذن بیان می‌گردد و سپس به این مسئله می‌پردازیم که آیا می‌توان تعریفی از «ذن» به دست داد و یا اصولاً تعریفی جامع و مانع از ذن وجود دارد یا خیر. در بخش بعدی به مفهوم بسیار کلیدی و مهم «ستوری» satori در ذن می‌پردازیم که بدون آن اساساً ذن بی‌معنا است و ذن را نمی‌توان بدون ستوری فهمید و یا بدان دست یافت. در انتها به مسئله «عمل» و تاکید آن به مثابهٔ غایت قصوای ذن مبادرت می‌ورزیم و می‌بینیم که علی‌الاصول ذن طریقی از زندگی و زیستن است و آدمی را ترغیب به عمل ورزی و تمرکز بر خود زندگی و امور روزمره و حتی پیش پا افتاده می‌کند و از هرگونه نظریه پردازی و تحلیل فلسفی و نظری و مفهوم پردازی بر حذر و آن را کاری عبث و بیهوده تلقی می‌کند که النهایه سرانجامی ندارد.

۱. تاریخچه مختصر

پس از بودا، بودیزم به دوشاخهٔ بسیار مهم تقسیم شد، یکی هینه یا نه Hīnayāna یا چرخ کوچک که جنبهٔ رادیکالی و به اصطلاح ارتدکسی داشت و در نواحی جنوبی آسیا بودند که سعی بر آن داشتند نسبت به تعالیم و آموزه های بودا وفاداری داشته باشند و دیگری مهاییانه Mahāyāna یا چرخ بزرگ که در نواحی شمالی بودند و تبلیغات وسیعی چه در هند و چه در چین و ژاپن داشتند و توانستند بودا را به مقام الوهیت برسانند و او را منجی بشریت معرفی کنند. هر دوی این مکاتب که خود به شاخه های متعددی انشعاب می‌شوند جملگی ریشه در جان و ذهن فرهنگ شرقی - هندی دارند.

پس از آنکه بودا به نیروانه یا بیداری دست یافت پاره ای از طالبان از او خواستند که آموزه های خود را به آنان نیز بیاموزد تا آنان هم به بیداری دست یابند و در عین حال دیگران را به این امر تشویق سازند تا تعلیم این گونه آموزه ها را پیشهٔ خویش سازند تا جملهٔ خلق به بیداری و سعادت نائل آیند. بودا در وادی نخست چندان رغبتی به بیان تعالیم خود نداشت چرا که بیداری را امری بس شخصی می‌دانست که تنها از طریق تجربهٔ فردی و اشراق می‌توان بدان دست یافت و اینگونه نیست که تعالیمی را به طالبان دیکته کند و آنان از روی آن تقریرات به بیداری دست یابند. به هر جهت به واسطهٔ پافشاری طالبان، بودا پاره ای از تعالیم خود را تقریر کرد و بعدها جزء متون بنیادین

و مقدس آیین بودا شد و بوداییان با خواندن و تلاش برای عمل به آن دستورات و فرامین در پی رستگاری شدند. اما بنا به روایات تاریخی، بودا علاوه بر این بیانات و تقریرات، اندک مریدانی داشت که تعالیم سری و نهانی خویش را به آنان می گفت و هیچکدام از آن بیانات در تقریرات پیشین خویش چندان نیامده بود و به تعبیری آن تقریرات برای عوام و این تعالیم شفاهی و سرّی برای خواص بود.

پس از فوت بودا این تعالیم شفاهی و سرّی از راهبی به راهب دیگر منتقل می شد تا اینکه به ششمین راهب بزرگ هند یعنی بودی درمه Bodhidharma رسید و او صاحب آن تعالیم ناگفته بود. اندک مدتی بعد بودی درمه برای تبلیغ بودیزم مهاییانه به چین سفر می کند و در همان جا ماندگار می شود و به نشر و بسط آموزه های خود می پردازد و این آموزه ها و تعالیم به «چان» chan مشهور می شود که مبتنی بر همان تعالیم شفاهی و سرّی بودا بود. پس از بودی درمه، چان به مدت شش قرن در چین بسط و گسترش می یابد. چینیان سخت از امور متافیزیکی و فلسفه های رایج در هند گریزان بودند و چندان اهل نظریه پردازی و فلسفه نبودند و روح و جان آنان ریشه در عمل و عمل گرایی داشت. مکتب چان تلفیقی از بودیزم مهاییانه، آیین دائو، آیین کنفوسیوس و حتی فرهنگ عمومی و دینی مردم چین بود و سپس رونقی یافت و جزء باور و جان و ذهن چینیان شد. ولیکن این تأثیر صرفاً یک جانبه نبود بلکه ذن نیز به نوبه خود بر آیین دائو، کنفوسیوس و فرهنگ چینی تأثیر خاصی داشت.

در قرن دوازدهم چان از چین به ژاپن راه یافت و به «ذن» مشهور شد. معابد کثیری بنا نهاده شد و چنان با فرهنگ و باورهای بومی مردم ژاپن تلفیق یافت که تأثیر عظیمی بر کلیه جنبه های زندگی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی ژاپنیان گذاشت، به گونه ای که تا به امروز این تأثیر را به طور مشهود در زندگی مردم ژاپن می بینیم.

به هنگام ورود ذن به ژاپن از آنجایی که دین مردم ژاپن شینتو shinto و نیز آنیمیزم Animism بود به سرعت در فرهنگ ژاپن تأثیر گذاشت و خود نیز از باورهای عمومی مردم علی الخصوص از آیین شینتو تأثیر گرفت و این نفوذ ذن تا حدی بود که اکنون هم بدون شناخت بودیزم و خصوصاً ذن نمی توان به فهم اندیشه، ادبیات و هنر و تمامی وجوه فرهنگ مردم ژاپن دست یافت. سوزوکی در این باره می گوید:

«سخن گفتن از فرهنگ ژاپنی به دور از آیین بودا کاری است

ناممکن، چرا که ما حضور احساس بودایی را در هر دوره ای از

تحول این فرهنگ به شکلی باز می یابیم. در واقع هیچ بخش از

فرهنگ ژاپنی نیست که از آبشخور آیین بودا نوشیده باشد، و این به راستی تأثیری چندان فراگیر بوده است که مایی که در میان آن زندگی می‌کنیم هیچ از آن آگاه نیستیم...

اگر می‌خواهید بدانید که آیین بودا تا چه میزانی در تاریخ حیات ملت ژاپن راه یافته است، تصور کنید تمامی این معابد و گنجینه‌هایی که در آن‌ها است پاک نابود شده بودند. آن‌گاه می‌توان دریافت که ژاپن، با همه‌ی زیبایی طبیعی و مردم خوش‌خوی‌اش، چه برهوتی می‌بود. در آن صورت این کشور به خانه‌ی متروک می‌مانست که در آن نه اثاثی باشد، نه پرده‌های نقاشی، نه پاراوانی، نه مجسمه‌ی، نه دیوار کوبی، نه باغی، نه گل‌آرایی، نه نمایش‌نامه‌های نو، نه هنر چای، و نه چیزی دیگر از این دست.^۱

بنابراین سخن گفتن از وجوه گوناگون فرهنگ و هنر مردم ژاپن بدون در نظر گرفتن بودیزم ذن کاری عبث و بیهوده است. در این پژوهش که به تأثیر بودیزم ذن بر هایکو خواهیم پرداخت به خوبی در می‌یابیم اساساً هایکو بدون ذن قابل فهم نیست و جمله شاعران هایکوسرا خود از اهالی دیار ذن بوده‌اند و ذن در تمامی لایه‌های نهانی اشعار آنان تأثیر گذار بوده است.

۲. تعریف ذن

ذن یا چان برگرفته از واژه سنسکریت **دیانه Dhyāna** به معنای مراقبه، تفکر و نظاره و نیز به معنای ورای‌بُزه و سوژه است. در ذن هم مراقبه و ورای‌بُزه و سوژه رفتن امریست بس مهم، چرا که در ذن مسئله «شناخت» که از تفکیک سوژه و اُبژه حاصل می‌شود، مطرح نمی‌گردد و سالک و رهرو در پی شهود و مشاهده است؛ مشاهده‌ی عالم همانگونه که هست و نه تحلیل و شناخت منطقی آن.

در کلیه کتابهایی که در باب ذن نوشته شده است به این مسئله تأکید می‌شود که اساساً نمی‌توان تعریف منطقی و به اصطلاح جامع و مانعی از ذن داشت و در اصل ذن تعریف‌ناپذیر است و این به ماهیت ذن بر می‌گردد که خود مخالف هر گونه منطق، تحلیل و تعریفی است. غایت قصوای

^۱. سوزوکی، دت؛ ذن و فرهنگ ژاپنی، ترجمه ع. پاشایی، ص ۲۵۶-۲۵۵

ذن عبور از اینگونه مباحث منطقی - فلسفی و به تعبیری دیگر خصومت و پرهیز از هرگونه نظریه پردازی و تاکید اکید بر زندگی، عمل و کنش و حتی امور پیش پا افتاده است. روایات و قصه های متعددی در متون ذن می توان دید که برخورد استاد و طلبه را نشان می دهد که چگونه طلبه در وادی نخست سعی بر آن دارد که به تعریفی از ذن دست یابد و استاد چگونه با حربه های مختلف تلاش می کند ذهن را هب را از نظر به عمل معطوف کند و او را از هرگونه نظریه پردازی و مفهوم پردازی برحذر دارد:

« ذن لزوماً ضد زبان و کلمه نیست، اما از این حقیقت خوب آگاه است که تمایل کلمات همیشه به آن است که از واقعیات بپُرنند و به مفاهیم تبدیل شوند. و این مفهوم سازی آن چیزی است که ذن ضد آن است... ذن پافشاری می کند که خود شی را به دست گیرد نه یک انتزاع توخالی آن را. از این جا است که ذن خواندن سوتره ها (گفتارهای بودا) یا قیل و قال بر سر مباحث انتزاعی را نادیده می گیرد. و این خود یک علت گیرایی ذن است برای مردانِ عمل؛ در وسیع ترین معنای این واژه.^۲

در موندویی، پرسش و پاسخ های کوتاه بین استاد و راهب، آمده است:

رهرو: ذن چیست؟

استاد: نمی فهمم!

رهرو: ذن چیست؟

استاد: از بادزن ابریشمی نسیم خنکی به ما می وزد.

رهرو: ذن چیست؟

استاد: ذن!

رهرو: ذن چیست؟

استاد: نه - ذن^۳»

^۲. ذن و فرهنگ ژاپنی، ص ۴۸-۴۷

^۳. پاشایی، ع؛ ذن چیست، ص ۲۳

تمام سعی استاد بر این است که نگاه شاگرد معطوف به «عمل» باشد تا «نظر» و مفهوم سازی. رهرو ناصبورانه در صدد است زودتر به مقام استادی دست یابد و سریع تر بداند که ذن چیست و چه حاصلی دارد. منتظر است تا بلکه استاد پاسخی روشن بدو دهد و یا یادداشتی بردارد و یا به کتابی اشارتی رود تا بتواند به پاسخ پرسش خود دست یابد. اما استاد با دعوت رهرو به امور عملی و روزمره و یا پاسخ های نامفهوم و بی معنی به او می آموزد که اصلاً و اساساً ذن در گرو امور عملی است و نه در گرو امور نظری.

« ذن هر چیز دیگری که باشد این اصل در آن مسلم است که آیینی است: عملی و عادی و در عین حال زنده. یکی از استادان عهد قدیم وقتی که می خواست نشان دهد که ذن چیست یکی از انگشتانش را بلند می کرد. دیگری در همین رابطه لگدی به توپ می زد. و بالاخره سومی سیلی جانانه ای به گوش سوال کننده می نواخت. اگر حقیقت درونی که در اعماق وجود ما وجود دارد بدینسان نمایش داده می شود آیا در آن صورت ذن عملی ترین شیوه برای آموزش روحی ای نیست که تا به حال به وسیله مذاهب اعمال گردیده است؟ در حقیقت، ذن نمی تواند چیزی جز اصالت و خلاقیت باشد. زیرا ذن از پرداختن به مفاهیم احتراز دارد و فقط به وقایع زنده و ساده زندگی می پردازد. وقتی از نظر مفهوم به این مسأله نگاه کنیم می بینیم که بلند کردن یک انگشت شاید یکی از معمولی ترین حوادث زندگی به شمار آید. ولی وقتی که این کار از نقطه نظر ذن بررسی شود همین عمل ساده با معنایی مقدس و نشاطی خلاق ظاهر خواهد گردید. تازمانی که ذن بتواند این حقیقت را در بحبوحه هستی مفهومی و قراردادی ما بازتاب دهد باید بپذیریم که توانسته به مأموریت خود به وجه احسن عمل کند و دلیل ماندن خود را تأمین نماید.^۴

در موارد فراوانی مشاهده می شود که استاد در پاسخ به پرسش راهب در باب چیستی ذن به شدت پرخاش می کند، ناسزا می گوید و یا او را کتک می زند و یا به او دستوراتی پیش پا افتاده می دهد که راهب سخت شگفت زده و حتی نا امید، مایوس و افسرده می شود و البته بعدها در می یابد مقصود استاد از اینگونه عکس العمل ها چه بوده است و سرانجام راضی و خرسند می شود.

^۴. سوزوکی، د.ت؛ مقدمه ای بر ذن بودیسم، ص ۵۷-۵۶